فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc470608580)

[گروه‌های متصور در برابر تکلیف 2](#_Toc470608581)

[توجه تکلیف متکلم به غایبین و معدومین در عصر صدور 2](#_Toc470608582)

[اختصاص ظهورات به مشافهین، غایبین و معدومین 3](#_Toc470608583)

[قرار و جایگاه متکلم معیار سعه و ضیق مخاطب 3](#_Toc470608584)

[اصل مولویت 4](#_Toc470608585)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ شمول خطاب نسبت به غیرمشافهین و معدومین

# اشاره

سخن این بود که؛ آیا خطابات و ظهورات و احکام؛ می‌تواند شامل غیر مشافهین و معدومین در عصر ائمه بشود یا نه؟

# گروه‌های متصور در برابر تکلیف

در برابر تکلیف؛ سه گروه تصویر می‌شود:

1- گروهی که موجود و حاضر در مجلس هستند و کلام و خطاب را می‌شنوند.

2- گروهی که موجود هستند؛ اما از مجلس تخاطب غائب‌اند.

3- گروهی که موجود نیستند و جزو نسل‌های آینده هستند.

آیا گروه دو و سه؛ مشمول تکالیف و احکام و خطابات؛ می‌شوند یا نه؟ اجماع داریم که احکام و تکالیف شرع؛ ابدی است. «**حلاله حلال الی یوم القیامه حرامه حرامٌ الی یوم القیامه**» منتها در اینجا سخن این است که؛ خود تکلیف و خطاب فی نفسه؛ آن‌ها را در برمی‌گیرد یا نه؟ در اینجا چند بحث وجود دارد، مرحوم صاحب کفایه به سه بحث اشاره کردند، از دید جامع‌تر؛ چهار یا پنج بحث است:

# توجه تکلیف متکلم به غایبین و معدومین در عصر صدور

1- بحث اول این بود که آیا می‌شود تکلیف متوجه غائب و بخصوص معدوم بشود؟ و انسانی که موجود نیست؛ مکلف بشود؟ بیان شد که؛ اگر منظور مکلف فعلی است که این درست نیست و نمی‌شود، اما به نحو تکلیف انشائی و به نحو قضیه حقیقیه؛ مانعی ندارد و در تاریخ سابقه دارد، الآن هم در نظامات حقوقی؛ قانون اساسی، قوانین جزائی، قوانین کیفری، قوانین مدنی؛ چنین انشائاتی جریان دارد، این قوانین؛ تکلیف است و تکلیف هم شامل؛ نسل‌های بعدی که موجود نبودند، یا غایب بودند، می‌شود.

# اختصاص ظهورات به مشافهین، غایبین و معدومین

2- بحث دوم؛ مسئله خطاب در اینجا نیست، بلکه حجیت ظهورات است و اینکه؛ ظهوری در کلامی یا سخنی شکل‌گرفته است، آیا این ظهور؛ اختصاص به مشافهین یا موجودین دارد، یا اینکه؛ شامل غایبین و معدومین هم می‌شود.

بیان می‌شود که؛ ظهورات برای همه بشر است، مثلاً کتیبه‌ای که برای دو یا سه هزار سال قبل است، نمی‌توان گفت که اختصاص به مشافهین دارد، بلکه همه غایبین و حتی معدومین را هم در برمی‌گیرد، مبنای عقلایی‌اش واضح است و نشانش؛ کتبی که در طول تاریخ شکل‌گرفته است و الآن هم مورد بررسی قرار می‌گیرند و کسانی که در آن زمان غائب بودند یا موجود نبودند؛ در حال حاضر از آن کتب استفاده می‌کنند و در اعتبار این ظهور سهیم و شریک هستند، این ظهورات؛ هم قوانین حقوقی و هم غیرحقوقی را هم در برمی‌گیرد و این ظهور برای نسل‌های آینده هم هست و استمرار دارد و به آن تمسک و احتجاج می‌شود.

البته این ظهورات که برای متأخرین قابل تمسک و اعتماد می‌دانیم، برای پی بردن به ظهور؛ هر چه از عصر صدور؛ دور بشود؛ دشواری کار؛ بیشتر می‌شود، اگر کسی بگوید نمی‌شود؛ بحث‌های هرمنوتیکی پیش می‌آید که بیان شد.

# قرار و جایگاه متکلم معیار سعه و ضیق مخاطب

3- بحث سوم در مورد تخاطب است و اینکه؛ تخاطب و گفتگو، یا گفتاری که؛ مخاطبی دارد، آیا این تخاطب؛ سخن را به مشافهین محدود می‌کند، یا اینکه؛ تخاطب؛ اعم از این است که؛ مشافه باشد یا غائب و معدوم باشد.

این تخاطب اعم از این است که؛ «**یا ایّها الناس**»، «**یا ایّها الذین آمنوا**» داشته باشد یا نداشته باشد، بلکه مثلاً قرآن نازل‌شده و پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلّم برای مخاطبان می‌خوانند، چیزهایی که در فضای محاوره مستقیم و گفتگوی با افراد؛ از کسی صادر می‌شود، این‌طور نیست که در سند یا کتابتی باشد، اگر هم نوشته‌شده باشد؛ حالت تخاطبی دارد.

گفتگوی متکلم؛ تابعی است از اینکه؛ متکلم چه پیش‌فرضی داشته باشد و چه قراری داشته باشد، زمانی است که این متکلم؛ قرارش بر این نیست که بیرون از این گفتگویی که انجام می‌دهد، کسی را مورد خطاب و تکلیف قرار بدهد، گاهی اوقات است که؛ متکلم صحبت می‌کند و مشافهین مورد خطاب هستند؛ اما جایگاه و قرار و تصمیم متکلم؛ فراتر از مخاطبان خاص است.

در خطابات شارع؛ با توجه به آن ضمائمی که داریم؛ مثل: «**حلاله حلالٌ الی یوم القیام و حرامه حرامٌ الی یوم القیامه**»، با آن مجموعه مسائل در کلام شارع؛ اصل بر این است که عمومیت دارد و شامل همه می‌شود، اما اگر مقام شارعیت نباشد؛ شاید این اصل خلاف آن باشد.

# اصل مولویت

لذا اصل این است که؛ در شارع که کرسی مولویت دارد، این اصالة المولویت در همه کلماتش هست و اگر این دو اصل را احراز بکنیم، ما هم می‌گوییم؛ اصل این است که این‌طور باشد؛ بنابراین خطابات شامل عموم می‌شود؛ یعنی هم حاضرین، هم غایبین و معدومینی که بعدها متجدد شدند را هم در برمی‌گیرد.

شمول خطابات صادره از شارع نسبت به غایبین و معدومین در آن عصر؛ روی یک پیش‌فرض‌هایی قرار دارد، از جمله پیش‌فرض‌ها این است که او مولاست و اینکه او قصد کرده و همه را موردتوجه قرار داده است، این پیش‌فرض‌های درستی است، این پایه مسئله در بحث سوم است، یک‌چیزهایی را از شریعت بیاوریم؛ تا بگوییم؛ خطابات عمومی است، در قوانین موضوعه هم به همین صورت است، زمانی که مجلس؛ قانونی را می‌گذارد؛ مقامش؛ مقامی است که؛ جعل برای همه می‌کند و اختصاص به زمان ندارد، رهبری که آن جایگاه را هم دارد؛ اما در یک‌سخنی واردشده و در یک موضوعی صحبت می‌کند؛ محدوده خاصی را در نظر گرفته است، در این صورت شامل همان محدوده می‌شود، شمول یک پیش‌فرض می‌خواهد، دقیق‌تر این می‌شود که؛ جعل قوانین و مقررات؛ شمولش نسبت به غیر مشافهین و بخصوص معدومین در عصر صدور آن قانون؛ مبتنی بر این است که؛ جایگاه آن‌طوری وجود داشته باشد و او هم در آن جایگاه و با آن قصد سخن گفته باشد و تکلیف کرده باشد.